

## سؤال از روحانی در آزمون امروز کمیسیون اقتصادی

■ نشست کمیسیون اقتصادی مجلس با حضور نمایندگان دولت و جمعی از نمایندگان طراح سؤال از رئیس‌جمهور درباره وضعیت مؤسسات اعتباری امروز برگزار می‌شود

هم آوازی اروپا و آمریکا درباره ضرورت مقابله با ایران در کنفرانس امنیتی مونیخ ادامه یافت

## مونیخ علیه تهران

■ محمدجواد ظریف دیشب راهی مونیخ شد

فرمانداری تهران از ۹ بند طرح ترافیک جدید شهرداری به ۶ بند ابراد قانونی گرفت

## احتمال لغو طرح ترافیک جدید

■ عضو کمیته انطباق فرمانداری: برخی موارد این طرح اجحاف در حق مردم است

سختگوی دولت:

## یارانه نقدی نیمی از مردم حذف می‌شود

صفحه ۲



شبکه جاسوسی کشف شده چگونه از پوشش سازمان محیط زیست برای فعالیت‌های خود استفاده کرد

# چتر سبز جاسوسی

صفحه ۲

## خواب پریشان وراثت موشه دایان!

نوید مؤمن

شاید از زمان بسته شدن نطفه رژیم نامشروع صهیونیستی تاکنون، کسی مانند «موشه دایان» فرمانده اسبق ستاد کل و عملیات نیروهای اسرائیل، به توان نظامی این رژیم اطمینان نداشت. موشه دایان سال ۱۹۶۷ در جریان جنگ ۶ روزه نیز وزیر جنگ رژیم صهیونیستی بود. همچنین وی ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ در جریان انعقاد پیمان ننگین صلح «کمپ‌دیوید»، به عنوان وزیر خارجه رژیم صهیونیستی ایفای نقش می‌کرد. موشه دایان ۳۰ جولای ۱۹۷۳ در گفت‌وگو با مجله «تایم» اظهار کرد: «دیگر فلسطینی وجود ندارد! تمام شما ما به این کشور آمدیم، در حالی که مردم آن عرب بودند و در حال ایجاد کشوری عبری، یعنی یهودی، در اینجا هستیم. روستاهای یهودی به جای روستاهای عرب ساخته شدند. شما اکنون حتی نام آن روستاهای عرب را نمی‌دانید و البته من به این خاطر شما را سرزنش نمی‌کنم، چرا که آن کتاب‌های جغرافیا دیگر وجود ندارد. نه تنها کتاب‌ها وجود ندارد، بلکه خود روستاهای عربی نیز دیگر اینجا نیستند. گوات به جای جبتا، سارید به جای حنیف و... هیچ جایی در این کشور نیست که در گذشته ساکنان آن، مردم عرب نبوده باشند.»

بسیاری از ساکنان سرزمین‌های اشغالی و دیگر مقامات رژیم صهیونیستی، سخنان موشه دایان را نماد و نشانه‌ای دال بر «بقای ابدی اسرائیل» و «شکست‌ناپذیری صهیونیسم» می‌دانستند. با این حال موشه دایان مانند بسیاری از دیگر سیاستمداران صهیونیست، محکوم به آن شد تا زنده بماند و پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی را در کف کند. پیروزی انقلاب اسلامی، روح تازه‌ای در کالبد منطقه و نظام بین‌الملل دمید. جریان‌های مقاومت به صورتی سازمان‌یافته در فلسطین و لبنان تشکیل شده و ندای «ضمحلل صهیونیسم» را با طنین و غوغایی مثال‌زدنی سر می‌دادند. البته موشه دایان سال ۱۹۸۱ مُرد اما بازماندگان و وراثت وی در سرزمین‌های اشغالی باقی ماندند تا شاهد «حقارت» خود در برابر جریان مقاومت در منطقه باشند.

امروز در ابتدای سال ۲۰۱۸ به سر می‌بریم. ماجرای سرنگونی جنگنده F۱۶ رژیم صهیونیستی توسط پدافند هوایی ارتش سوریه، به سوزهای پررنگ میان تحلیلگران مسائل نظامی، دفاعی و استراتژیک در منطقه و دنیا تبدیل شده است. انهدام این جنگنده در منطقه مرزی جولان، از اهمیت ویژه‌ای برای جریان مقاومت برخوردار است. این برای نخستین بار بعد از جنگ رژیم صهیونیستی و سوریه (در جنگ ۶ روزه سال

۱۹۶۷) است که یک جنگنده اسرائیلی در سوریه مورد هدف پدافند سوریه قرار می‌گیرد و سرنگون می‌شود. از سوی دیگر، مقامات رژیم صهیونیستی که در محاسبه‌های اشتباه، جولان را حیاط خلوت خود دانسته و انجام عملیات نظامی از سوی خود در این نقطه مرزی را به مثابه یک مانور نظامی ساده قلمداد می‌کردند، هم‌اکنون با واکنشی سخت و غیرقابل باور از سوی پدافند هوایی سوریه رو به رو شده‌اند. آری! سرنگونی جنگنده F۱۶ رژیم صهیونیستی مترادف با پایان تاریخ مصرف «مانور نظامی صهیونیست‌ها» در آسمان سوریه بود. روزنامه صهیونیستی «هآرتس» در تحلیل این واقعه تأکید می‌کند: «رئیس‌جمهور سوریه آشپز اسد! این روزها در حال اجرایی کردن تهدیدات خود است. وی از مرحله تهدید وارد مرحله اجرا شده و در حال عملی کردن تهدیدات خود است. مقامات سوری اخیراً بیش از یک بار درباره هر حمله اسرائیلی به خاک سوریه و پاسخ به آن هشدار داده بودند. هدف قرار دادن جنگنده اسرائیلی، نشان‌دهنده اعتماد به نفسی است که مقامات دمشق پس از تسلط بر ۸۰ درصد خاک سوریه به دست آورده‌اند.»

هم‌اکنون «بنیامین نتانیاها» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و همراهان وی در سرزمین‌های اشغالی، دیگر از «بقای قطعی اسرائیل» سخنی به میان نمی‌آورند! آنها هم‌اکنون محکوم به «تلاش برای بقای حداقلی» هستند، تلاشی که در نهایت به نتیجه‌ای نخواهد رسید. گزاره‌هایی که مقامات رژیم صهیونیستی تا حدود نیم قرن قبل آنها را «قطعی» و «ضمین‌شده» می‌دانستند، هم‌اکنون به گزاره‌هایی «بطلان‌پذیر» تبدیل شده‌اند. اگر ۴۵ سال قبل موشه دایان از «پایان فلسطین» سخن به میان می‌آورد، امروز مقامات رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ میلادی، رزمندگان حزب‌الله لبنان برای نخستین‌بار در ابتدای هزاره سوم، رؤیای شکست‌ناپذیری صهیونیسم را در ذهن بازماندگان موشه دایان و «سناخیم بگین» از بین برده و آن را به «کلوس سقوط اسرائیل» تبدیل کردند. این روند در جریان جنگ‌های سه‌گانه رژیم صهیونیستی و حماس نیز ادامه پیدا کرد و تل‌آویو را به یکی از کانون‌های بحران در نظام بین‌الملل تبدیل کرد.

ادامه در صفحه ۵

السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيْتُهُا الصِّدِیقَةُ الشَّهِیدَةُ

# تجمع عزاداران فاطمی

مراسم ظهر شهادت حضرت زهرا(س)

سخنران: آیت‌الله کاظم صدیقی  
مدیحه سرای: حاج نریمان پناهی حاج امین مقدم  
حاج کاظم غفارنژاد حدادیان  
کربلایی محسن عراقی حاج سید مهدی حسینی  
حاج یونس حبیبی

زمان: سه شنبه یکم اسفندماه ساعت: ۱۲  
مکان: (همراه با اقامه نماز ظهر)

# میدان فاطمی

هیئت‌های فاطمی تهران

## راهکارهایی برای کاهش نرخ ارز

سید یاسر جبرائیلی

بهرغم انتظارات ایجادشده برای کاهش نرخ دلار در دوره پس از برجام، قیمت این ارز از ۳۳۸۴ تومان در بیست و هفتم دی‌ماه ۹۴ (یعنی روز اجرای برجام) به ۴۶۹۷ تومان در روز بیست و هشتم بهمن‌ماه ۹۶ رسید. دلایل مختلفی از سوی صاحب‌نظران درباره گرانی بالغ بر ۱۳۰۰ تومانی دلار در پس‌ابرجام بیان شده است؛ برخی آن را به عدم دسترسی به دلارهای نفتی نسبت داده‌اند، تمرکز تعداد قابل‌توجهی از تحلیلگران روی مکانیسم قیمت‌گذاری دلار بوده و شیوه کنونی را نقد کرده‌اند و بالاخره گروهی گرانی دلار را اقدامی هدایت‌شده از سوی دولت برای تأمین کسری بودجه دانسته‌اند.

هر کدام از این گزاره‌های نظری می‌تواند سهمی در افزایش قیمت ارز طی ۲ سال اخیر داشته باشد اما به نظر می‌رسد در این میان یک دلیل عمده و اساسی در گرانی دلار که عبارت است از «حقوق تقاضای غلط و بی‌رویه برای ارز»، نه تنها از سوی طیف لیبرال و قائل به اقتصاد بازار مسورد غفلت یا تعاقب قرار می‌گیرد، بلکه با ارائه استدلال‌هایی سست در حمایت از گرانی دلار، تلاش می‌شود مسأله «مدیریت تقاضای ارز» طرح و پیگیری نشود. بسته سیاستی تدوین‌شده از سوی بانک مرکزی نیز هر چند ظاهراً کنترل نرخ ارز را دنبال می‌کند اما به دلیل اینکه قصد مدیریت تقاضای زائد برای ارز را ندارد، مسیر اشتباهی است که اثرات مخرب بیشتری برجا خواهد گذاشت.

یادداشت حاضر، ابتدا استدلال حامیان گرانی ارز را بررسی می‌کنیم؛ سپس به نقد بسته سیاستی بانک مرکزی پرداخته و در نهایت، راهکارهایی را برای جلوگیری از افزایش نرخ ارز ارائه خواهیم کرد.

۱- حامیان گرانی ارز استدلال می‌کنند دلار قوی در برابر ریال ضعیف، به نفع تولیدکنندگان داخلی است، چرا که گرانی ارز، باعث ارزان شدن صادرات و گران شدن واردات می‌شود. به عبارت دیگر، طبق عقیده این طیف، در شرایط گرانی ارز، کالاهای وارداتی گران‌تر تمام می‌شوند، چون ریال بیشتری باید صرف واردات شود اما صادرکنندگان ایرانی در ازای ارز دریافتی حاصل از فروش کالای‌شان، ریال بیشتری عایدشان می‌شود. گرانی کالای خارجی در بازار داخلی نیز باعث گرایش مردم به سمت تولید داخلی می‌شود. شاهد مثال مویز این استدلال، کشور چین است که تعدد ارزش یوان را نسبت به دلار پایین نگه می‌دارد تا واردات را تضعیف و صادرات را تقویت کند. لذا هرچه دلار گران‌تر باشد، برای اقتصاد ایران بهتر است.

اما اقتصاد ایران واقعیت‌هایی دارد که با این نگاه ساده‌انگارانه همخوانی ندارد و حامیان این رویکرد، تمایلی به دیدن این واقعیت‌ها ندارند. واقعیت اقتصاد ایران این است که اصل مذکور اگر درباره کشور چین صادق است، به هیچ‌وجه قابل‌تعمیم به ایران نیست. این اصل در شرایط «تجارت درون صنعتی» (Intra-Industry Trade) کاملاً صادق است. یعنی اگر شما هم صادرکننده و هم واردکننده یک کالا باشید، گرانی ارز باعث تقویت صادرات و تضعیف واردات شده و تراز تجاری را به نفع شما رقم خواهد زد. اما هنگامی که بالغ بر ۹۰ درصد صادرات شما نفت و مشتقات آن است، نمی‌توانید از نفع «تولید ملی» و صادرات در شرایط گرانی ارز سخن بگویید، هرچند درآمد ریالی ناشی از فروش نفت و کالاهای وابسته افزایش می‌یابد. در دیگر سو، شاید کالاهای وارداتی دارای مشابه داخلی بر اثر گرانی ارز، برای مصرف‌کننده ایرانی گران‌تر شده و در کوتاه‌مدت بخشی از بازار خود را به تولیدات ایرانی دهند اما باید دقت داشت که گرانی ارز روی تمام کالاهای وارداتی - نه فقط کالاهای دارای مشابه داخلی - اثر تورمی دارد. بخشی از واردات، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز برای تولید را شامل می‌شود. لذا تولیدات داخلی به سبب گران‌تر شدن اقلام مورد نیاز وارداتی، عملاً فرصتی برای بهره‌برداری از افزایش قیمت کالاهای خارجی رقیب نخواهند داشت. در نهایت این مصرف‌کننده ایرانی است که با تورم هر دو کالای داخلی و خارجی مواجه می‌شود. این است که توجیه کاهش ارزش و قدرت خرید ریال با استناد به افزایش قدرت رقابت کالای ایرانی، به هیچ‌وجه دارای مبنای علمی و منطقی نیست.

ادامه در صفحه ۵